



Parks as the city's social laboratory: Linking safety, cultural richness, and sociability in shaping the experiences of mothers and children

Moosa Anbari^{1✉}  | Mohaddeseh Sayadian Barkordar²  | Vida Iranpoor³ 

1. Corresponding Author ; Social Development Department, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: anbari@ut.ac.ir

2. Social Development Department , University of Tehran, Tehran, Iran. Email: m.sayadian@ut.ac.ir

3. Social Development Department , University of Tehran, Tehran, Iran. Email: vidairanpour1365@yahoo.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 2025/12/05

Received in revised form:
2026/02/25

Accepted: 2026/03/19

Published online: 2026-03-20

Keywords:

mother and child park :safety :
cultural facilities :
socialization :lived
experience".

ABSTRACT

This research aims to investigate the social and cultural contexts and functions of Mother and Child Parks in Tehran. Utilizing qualitative methodologies based on observation and semi-structured interviews (n=52), the study sought to ascertain the experiences of users and relevant stakeholders, including mothers, park security personnel (guards), local neighbors, and municipal experts.

Park data were initially categorized individually. Subsequently, based on the interrelationship between three core thematic categories—"Sense of Security," "Cultural Enrichment, and Sociability Potential,"—three distinct park typologies were delineated: the "Pioneering Park" (sociable with community), the "Medium Park" (leisure-enabling and neighborhood-based), and the "Dormant Park" (culturally unresponsive).

The findings suggest that, within the lived experience of mothers and women, security and culture significantly contribute to sociability and the qualitative enrichment of leisure time in the parks. Specifically, the community-centric architectural approach of these parks—through the provision of security (regular guard presence, installation of cameras at ingress and egress points), the social spatial configuration (placement of benches, gazebos, open and interactive squares), and the availability of cultural facilities (cultural centers, sports areas, libraries, Mother and Child House, etc.)—has amplified the level of convergence, collective engagement, and social gatherings among mothers.

Conversely, as mothers experienced increased apprehension stemming from the presence of high-risk and incompatible individuals in the space, such as addicts and homeless persons, they adopted a more pessimistic perception of the parks. Consequently, this prevalent feeling of insecurity prevents them from considering the parks as a conduit or milieu for positive social interactions and social capital accumulation.

Cite this article: Anbari, M.; Sayadian Barkordar, M.; & Iranpoor, V. (2025) , Parks as the city's social laboratory: Linking safety, cultural richness, and sociability in shaping *Journal of Social Problems of Iran*, 16 (2),101-119.

<https://doi.org/10.22059/IJSP.2026.407304.671362>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/IJSP.2026.407304.671362>

بوستان‌ها به مثابه آزمایشگاه اجتماعی شهر: پیوند امنیت، غنای فرهنگی و اجتماع‌پذیری در شکل‌دهی تجربه مادران و کودکان

موسی عنبری^۱ | محدثه صیادیان برخوردار^۲ | ویدا ایرانپور^۳

^۱. نویسنده مسئول؛ استاد، گروه آموزشی توسعه اجتماعی دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: anbari@ut.ac.ir
^۲. دانشجوی دکتری، گروه آموزشی توسعه اجتماعی دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: m.sayadian@ut.ac.ir
^۳. کارشناسی ارشد، گروه آموزشی توسعه اجتماعی دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: vidairanpour1365@yahoo.com

اطلاعات مقاله

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی زمینه‌ها و کارکردهای اجتماعی و فرهنگی بوستان‌های مادر و کودک در شهر تهران، و استفاده از روش‌های کیفی مبتنی بر مشاهده و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته (۵۲ مصاحبه) به درک تجربیات استفاده‌کنندگان و عوامل مرتبط (مادران، نگهبانان بوستان‌ها، همسایگان محلی و کارشناسان شهرداری) پرداخته است.

داده‌های بوستان‌ها ابتدا به صورت منفرد مقوله‌بندی شده‌اند؛ سپس برحسب پیوند میان سه مقوله محوری احساس امنیت، غنای فرهنگی و قابلیت اجتماع‌پذیری، سه دسته بوستان با عنوان‌های «بوستان پیشرو» (اجتماع‌پذیر با معماری اجتماع‌محور)، «متوسط» (فراغت‌پذیر و محلی) و «خاموش» (اجتماع‌گریز و غیرحساس به فرهنگ) از هم تفکیک شده‌اند. براساس یافته‌ها، در تجربه مادران و بانوان، امنیت و فرهنگ به اجتماع‌پذیری و غنی‌سازی فراغت درپارک کمک بزرگ کرده‌اند. به عبارت دیگر رویکرد معماری اجتماع‌محور بوستان‌ها از طریق تامین امنیت (حضور منظم نگهبان، نصب دوربین در ورودیها و خروجیها)، چیدمان اجتماعی فضا (نحوه نصب نیمکت‌ها، آلاچیق‌ها، میدان‌های باز و تعاملی) و وجود امکانات و تجهیزات فرهنگی (فرهنگ‌سرا، فضای ورزشی، کتابخانه، خانه مادر و کودک و...) میزان هم‌گرایی، هم‌نشینی و دوره‌می‌های مادران را افزایش داده است. به میزانی که مادران از حضور افراد پرخطر و نامتناسب با فضا یعنی معتادان، افراد بی‌خانمان و ... دچار تشویش بیشتر شده‌اند، نگاه بدبینانه‌تری نسبت به بوستان‌ها داشته‌اند. یعنی ایشان در اثر این احساس ناامنی، بوستان‌ها را محمل و فضای تعاملات اجتماعی مثبت و سرمایه اجتماعی قلمداد نمی‌کنند.

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۱۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۲/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۲۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۲/۲۹

کلیدواژه‌ها:

بوستان مادر و کودک، امنیت، امکانات فرهنگی، اجتماع‌پذیری، تجربه زیسته.

استناد: عنبری، موسی؛ صیادیان برخوردار، محدثه؛ و ایرانپور، ویدا. (۱۴۰۴). بوستان‌ها به مثابه آزمایشگاه اجتماعی شهر: پیوند امنیت، غنای فرهنگی و اجتماع-پذیری در شکل‌دهی تجربه مادران و کودکان؛ بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱۶(۱)، ۱۰۱-۱۱۹.

<https://doi.org/10.22059/IJSP.2026.407304.671362>



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

DOI: <https://doi.org/10.22059/IJSP.2026.407304.671362>

مقدمه

محیط شهری مطلوب و پایدار، پاسخگوی نیازهای کلیه اقشار و گروه‌های جامعه از جمله زنان، مردان و گروه‌های سنی و حتی خانواده‌هاست. شهر انسان‌محور، به صورت طبیعی و ضروری، حق اقشار مذکور را در دسترسی عادلانه به خدمات و فرصت‌ها، به رسمیت می‌شناسد. بهره‌وری از فرصت‌ها و خدمات فضاهای شهری، در زنان و مردان و در گروه‌های سنی مختلف متفاوت است، از این‌رو طراحی فضا-مکانها (از جمله بوستان‌ها، بازارها، فضاهای ورزشی، بلوارها و...) و سیمای شهر باید به نحوی صورت پذیرد که گروه‌های مختلف با تفاوت‌های زیستی بتوانند از امکانات و مزایای آنها بهره‌مند و منتفع گردند. فضاها و مکان‌های شهری صرفاً بعد فیزیکی، مکانی، مادی و فراغتی ندارند، بلکه برخوردار از معانی و جوانب اجتماعی و فرهنگی هستند که باید در سیاستگذاری‌ها و طراحی‌های شهری مورد توجه قرار گیرد. امروزه بسیاری از شهرهای ایران از جمله تهران، علی‌رغم دعای وجود فرصت‌های برابر برای اقشار خاص از جمله زنان، کودکان و سالمندان و معلولان همچنان در مسیر تولید و توزیع عادلانه امکانات میان این گروه‌ها کوشا نیستند. در پاره‌ای از موارد، حتی کم‌توجه به اقتضائات خانواده ایرانی نیز هستند. به عبارت دیگر، نمی‌توان از فضاسازی‌های شهری، خانواده‌مداری و اجتماع‌محوری ایرانی را استخراج کرد، در حالیکه این ضرورت هویتی باید در برنامه‌های طراحی کالبد و سیمای شهر در کانون توجه باشد. باید در طراحی و بهره‌مندی از فضاهای شهری، با نگاه «تفاوت‌نگر»، موضوع خانواده، جنسیت، سن، توانایی فیزیکی افراد به عنوان یک عامل اثرگذار مطرح‌نظر باشد. منظور از تفاوت‌نگری در فضاهای شهری، ایجاد تفکیک‌های چندگانه و گسترش فاصله‌های اجتماعی نیست، بلکه توجه به تنوع و تفاوت‌های افراد ذینفع و استفاده‌کننده از امکانات است.

زنان نیمی از جمعیت کشور هستند که بار نگهداری و بخش مهمی از تربیت، پرورش و اجتماعی کردن کودکان را بر عهده دارند، بنابراین باید یکی از سیاست‌های مهم کشور، توجه ویژه به شهر دوستدار خانواده، خاصه مادر و کودک باشد و با اعمال تبعیض‌های مثبت به نفع گروه‌های کمتربرخوردار از فرصت‌ها و خدمات مانند زنان، کودکان و سالمندان شهر را به نقطه تعادل نزدیکتر کرد. گسترش بوستان‌های اختصاصی برای مادران و کودکان در ساختارهای عمومی شهر، یکی از اقدامات برای افزایش حضور بیشتر زنان در حوزه عمومی است. طرح «بوستان‌های مادر و کودک» در این راستا، راهکاری برای ایجاد محیط‌های متنوع و چندکارکردی در فضای شهری بوده است. «بوستان‌های کودک و مادر»، به منظور استفاده اختصاصی کودک به همراه مادر خود و همچنین زنان و دختران احداث می‌شوند و با داشتن حصار طبیعی، مصنوعی و یا ترکیبی از هر دو، محیطی امن و ایمن برای خانواده‌های دارای فرزند فراهم می‌سازند (سازمان توسعه فرهنگی شهرداری تهران، ۱۴۰۲). طبق قانون شهرداری، «این بوستان‌ها باید فضایی امن و بهداشتی باشد که بتوان در آن نیازهای کودکان مانند شیردهی، تغذیه، تعویض پوشاک و مانند آن را برآورده ساخت». «این استاندارد برای کودکان گروه سنی صفر تا ۷۲ ماه و کودکان با نیازهای ویژه کاربرد دارد» (سازمان توسعه فرهنگی شهرداری تهران، ۱۴۰۲).

ایجاد بوستان‌های مادرو کودک تداعی‌کننده احساس شادی و نشاط و امنیت خانوادگی نیز هست و فضای آن باید این احساس را منتقل کند. تلاش برای فهم مناسبات حاکم بر محیط این بوستان‌ها، نقش مهمی در برنامه‌ریزی و طراحی مجدد فضاهای شهری مربوطه خواهد داشت. از آنجا که در فرهنگ ایرانی-اسلامی، خانواده جایگاه محوری دارد، این بوستان‌ها با افزایش کیفیت زندگی مادران و کودکان به ارتقای سلامت روانی خانواده کمک می‌کنند. بنابراین لازم و ضروری است که به مطالعه ابعاد اجتماعی و فرهنگی این بوستان‌ها، از حیث ضرورت، کارکرد و آسیب‌های احتمالی پرداخت و راهکارهای اجتنابی و انطباقی ارتقای کیفیت این بوستان‌ها را جستجو و تشریح کرد.

چارچوب نظری و پیشینه تجربی

نظریه‌های اجتماعی و فرهنگی مرتبط با موضوع فضاها و آثار اجتماعی و فرهنگی آن‌ها به ما چه می‌گویند؟ نظریه‌های جامعه‌شناسی با طرح اهمیت مقوله فضا و ایجاد فرصت‌های اجتماعی برای توسعه برابر و عادلانه این موضوع را تحلیل می‌کنند. اورسولا پاراویسینی (1392) از محققان مطالعات زنان، معتقد هستند فضاها عمومی پتانسیل ایجاد فرصت‌های نامحدود را دارند، که ممکن است نتایج متناقضی ایجاد کنند. به‌عنوان مثال، فضاهایی که با هدف برابری جنسیتی و عدالت اجتماعی طراحی می‌شوند، ممکن است نتیجه معکوس ایجاد کنند و به تقویت تقسیمات اجتماعی منجر شوند.

هانری لوفور محقق و جامعه‌شناس فرانسوی، در نظریه «تولید فضا» می‌گوید فضاها شهری از تعامل میان نیروهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ساخته می‌شوند. او با طرح مفهوم «مصرف فضا» بیان می‌کند که فضاها نه تنها تولید می‌شوند بلکه مصرف نیز می‌شوند. این نظریه به ما کمک می‌کند درک کنیم چگونه فضاها عمومی می‌توانند ابزاری برای بازتولید اقتصادی باشند. لوفور همچنین برای نخستین بار تعبیر «حق بر شهر» را مطرح کرده است. بنا بر نظر او، شهر باید به گونه‌ای مدیریت شود که دسترسی همه افراد ساکن در شهر به امکانات و فضاها شهری محقق شود (لوفور، ۱۳۹۱: ۴۰۷-۴۲۵).

ری اولدنبرگ جامعه‌شناس آمریکایی نظریه مکان سوم را مطرح می‌کند، منظور مکان‌هایی غیر از خانه (مکان اول) و کار (مکان دوم) است که افراد می‌توانند آزادانه و بدون فشار اجتماعی با دیگران در ارتباط باشند. مکان سوم شامل کافه‌ها، کتابخانه‌ها، بوستان‌ها و هر محیط دیگر، فضایی خالی از استرس‌های ناشی از محیط خانه یا محل کار است که فرصت گفت‌وگوهای غیررسمی و ایجاد روابط تازه را فراهم می‌کند (Oldenburg, 1991:13).

عمدتاً با رویکرد ترکیبی و آموزشی موضوع فضاها شهری مورد بررسی قرار می‌گیرد. شاید رویکرد ژان پیاژه (۱۹۵۲) یکی از پیشگامان روان‌شناسی رشد را بتوان الگویی برای تمرکز بر مراحل رشد شناختی و ذهنی کودکان در محیط‌ها و فضاها شهری از جمله پارک‌ها دانست در زیر مجموعه همین نگاه لی ویگوتسکی از مفهوم «مناطق رشد پرواگزیمال (مجاور)» به عنوان مناطق موثر بر رشد شناختی کودک سخن می‌راند. منظور کودکان در تعامل با بزرگسالان یا همسالان کمی باتجربه‌تر از خود، مهارت‌ها و دانش جدیدی را یاد می‌گیرند. در این زمینه، نقش مادران یا مراقبان در بوستان‌ها بسیار کلیدی است (Vygotsky, 1978:86).

شهرشناسان عمدتاً با رویکرد معماری و طراحی فضاها کاربردی شهری موضوع آثار اجتماعی فضاها را تحلیل می‌کنند. جان لنگ (1376)، معمار و طراح شهری، معتقد است نقش اصلی طراحان شهری، کمک به تسهیل ارتباطات اجتماعی در فضا است. او فضاها را از حیث دعوت به محیط دو دسته می‌داند: محیط‌های اجتماع‌پذیر و اجتماع‌گریز. محیط‌های اجتماع‌پذیر فضاهایی هستند که مردم را دور هم جمع می‌آورند و امکان تماس چهره‌به‌چهره وجود دارد و فاصله فضاها نشستن در حد فاصله‌های اجتماعی، مشورتی است. سازماندهی اجتماع‌گریز موجب خودداری از تعامل اجتماعی می‌گردد.

مفهوم «چشم‌های خیابان» که یکی از مفاهیم کلیدی در طراحی شهری و امنیت فضاها عمومی است در کتاب «مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی» به کار برده شده است. این نظریه تأکید دارد که حضور طبیعی و مستمر افراد در فضاها عمومی، نظارت اجتماعی موثر ایجاد می‌کند و باعث افزایش امنیت و کاهش جرم و خشونت می‌شود. (Jacobs, 1961:35)

ریچارد فلوریدا (۱۴۰۱) نظریه‌پرداز شهری، در نظریه خود با عنوان «اقتصاد خلاق» بر اهمیت خلاقیت انسانی به‌عنوان یکی از موتورهای محرک توسعه اقتصادی در شهرها تأکید می‌کند. در این دیدگاه، فضاها عمومی مانند بوستان‌ها، می‌توانند به‌عنوان

بستری برای تعاملات اجتماعی و خلاقانه عمل کنند. فلوریدا در تکمیل نظریه خود مفهوم «طبقه خلاق» را معرفی می کند که شامل افرادی است که در زمینه های نوآوری، علم، فناوری، هنر و طراحی فعالیت دارند.

دیوید هاروی (۱۳۹۵) نظریه پرداز مشهور در حوزه جغرافیا، مفهوم عدالت فضایی را به عنوان یکی از محورهای اصلی مطالعات شهری مطرح کرده است. بر اساس دیدگاه هاروی، عدالت فضایی به معنای توزیع برابر منابع و فرصت ها در سراسر شهر و دسترسی همه اقشار جامعه به فضاهای عمومی است. از منظر او، فضاهای عمومی نباید صرفاً به مناطقی محدود شوند که از نظر اقتصادی قوی ترند، بلکه باید به صورت عادلانه در تمام مناطق شهری توزیع شوند تا به کاهش نابرابری ها کمک کنند.

نظریه های مطرح شده در این بخش از لحاظ مفهومی مکمل یکدیگرند و می توانند به طور همزمان در طراحی فضاهای عمومی به کار روند. پژوهش های تجربی و میدانی مربوط به فضاهای عمومی شهری از جمله بوستان ها نیز با استناد به این نظریه ها، یافته ها و داده های میدانی خود را تحلیل کردند. حتی در سال های اخیر پژوهش های مربوط به بوستان های شهری از جمله بوستان های کودک و مادر افزایش محسوس داشته اند. مطالعات در دسترس، ابعاد گوناگون این بوستان ها، از جمله طراحی و تأثیر آن ها بر کودکان را بررسی کرده اند. مطالعه نیو و همکاران (۲۰۲۲) در مورد آثار مرتبط با فضاهای سبز شهری و کودکان نشان می دهد پژوهش ها در این زمینه رشد سریعی داشته اند. کشورهای آمریکا، چین و استرالیا در این مطالعات پیشرو هستند و یافته ها به محققان در شناسایی همکاران و مسائل مرتبط کمک می کند.

مقاله فرانس و کیرتی (France & Kirti, 2012:523-524) نشان داد ساختار خانواده در ایالات متحده متنوع شده و والدین مجرد شاغل و والدین دو شاغل در مقایسه با خانواده های دو والدی و تک والدی کمتر از پارک استفاده می کنند. محدودیت های زمانی می تواند دلیل این امر باشد و این یافته ها بر اهمیت توجه به نیازهای تفریحی خانواده های مختلف در طراحی پارک ها تأکید می کند. گنجاندن متغیرهای ساختار خانواده در مطالعات استفاده از پارک ضروری است. پژوهش چن و همکاران (Chen & et al, 2020:1) در پارک کودکان «گوانگژو» نشان داد فضاهای بازی نه تنها محل بازی کودکان بلکه محل زندگی خانوادگی و یادآور خاطرات کودکی والدین است. حضور والدین در این فضاها به کودکان حس خانواده و همراهی می دهد و به بهبود عاطفی والدین کمک می کند. این مطالعه بر اهمیت عواطف و تجربیات خانوادگی در فضاهای بازی و نقش والدین در تجربه کودکان از این فضاها تأکید دارد.

مقاله لیدل و هنزی (Liddell & Henzi, 1987:262) در مورد زمین بازی یک پارک شهری نشان داد الگوهای تعامل در گروه های پدر-کودک و مادر-پدر-کودک مشابه است، درحالی که گروه مادر-کودک متفاوت بود. این یافته نشان می دهد حضور یا عدم حضور مادر تأثیر چندانی بر تعامل پدر و کودک ندارد، اما تعامل مادر با کودک الگوهای خاص خود را دارد. این پژوهش بر اهمیت در نظر گرفتن اندازه گروه و نقش های خانوادگی در طراحی بوستان های کودک و مادر تأکید می کند.

پژوهش پرادانا سنو آچی و همکاران (۲۰۱۶) در «جاکارتا» نشان داد که فضاهای عمومی یکپارچه دوستدار کودک^۱ عمدتاً توسط ساکنان مناطق متراکم استفاده می شوند. در دسترس بودن امکانات، دسترسی آسان و نقش والدین سه عامل مهم در بازدید کودکان از این فضاها است. این فضاها نیازهای اولیه کودکان را تأمین می کنند اما برای پایداری و توسعه، نیازمند توجه بیشتر به پویایی نیازهای کودکان و خانواده ها و مشارکت جامعه محلی هستند.

مطالعات ایرانی در حوزه فعالیت‌های عام زنان و حضور و مشارکت ایشان در محیط‌های اجتماعی بسیارند. صادقی فسایی و خادمی (۱۳۹۵: ۳۰-۳۳) در مطالعه‌ای مدعی هستند «یافته‌های مطالعات چهار دهه اخیر نشان می‌دهد که نسبت به حضور و مشارکت زنان در فعالیتهای عمومی بیتفاوتی وجود داشته است». همسو با همین نتیجه گیری، برخی مطالعات در مشهد نشان می‌دهند زنان در مقایسه با مردان به نحو مطلوب از فضاهای شهری بهره‌مند نمی‌شوند، که ریشه در هنجارهای فرهنگی و محدودیت‌های فرهنگی دارد جنگ (۱۴۰۱) و سروری و همکاران (۱۳۹۲). این دو پژوهش بیان می‌کنند که تفکیک جنسیتی فضاها به عنوان راهکار، ماهیت عمومی فضاها را تغییر می‌دهد و راهکار مناسبی نیست. در مقابل، اتخاذ رویکردهای موازی یا انجام ملاحظات فیزیکی و اجتماعی همزمان می‌تواند شرایط فضاهای شهری و بهره‌مندی زنان را بهبود بخشد و ارتقا دهد. سروری و همکاران همچنین اشاره می‌کنند که طراحی بوستان‌های کودک و مادر می‌تواند محیطی امن و سازگار با نیازهای ویژه زنان و کودکان فراهم کند و نقش آنان را در زندگی شهری تقویت نماید.

موضوع «امنیت و تأثیر آن بر حضور زنان در فضاهای شهری» در چندین مطالعه مورد تأکید قرار گرفته است. مطالعه یوسفی و همکاران (۱۳۹۹) نشان می‌دهد عدالت در فضای شهری ایرانی-اسلامی اهمیت دارد و ارزش‌هایی نظیر حریمیت و آرامش در شکل‌گیری آن نقش داشته‌اند؛ با این حال، جنسیت زن یکی از عوامل محدودیت حضور زنان در فضاهای شهری بوده و ترس از تعرض و مولفه‌های فرهنگی و اجتماعی حضور آن‌ها را مشروط کرده است، لذا ایمن‌سازی فضاهای شهری برای حضور زنان ضروری است. پژوهش نقدی و همکاران (۱۳۹۳) در ایلام نیز بدن زنانه، ترس از تعرض، طراحی نامناسب شهری برای زنان دارای فرزند و خانه‌دار، و مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی را از عوامل محدود کننده حضور زنان در فضاهای شهری برمی‌شمارد و تأکید دارد که ترس از تعرض به طور خاص زنان را از فضاهای شهری دور نگه می‌دارد و طراحی محیطی نیز در عدم دسترسی آن‌ها نقش دارد. پژوهش‌های دیگر نیز از اهمیت احساس امنیت زنان در رونق یا بی‌هویتی فضاهای شهری یاد می‌کنند (یاران ۱۳۹۸؛ معاونی و همکاران ۱۳۹۸). برای نمونه پژوهشی در مهاباد نشان می‌دهد زنان در حضور و مشارکت در فضاهای عمومی با محدودیت‌هایی مواجه هستند و عواملی مانند تنوع فعالیت‌ها، امنیت و روشنایی فضا بیشترین تأثیر را در حقوق و احساس مشارکت زنان دارند محمودی (۱۳۹۹). مطالعه عالیه شکرپیگی (۱۳۹۵) نشان می‌دهد که عوامل محیطی مانند فضاهای بی‌دفاع، نظارت و خوانایی فضاها با احساس ناامنی اجتماعی زنان رابطه معناداری دارد و در میان متغیرهای زمینه‌ای، سن، وضعیت تأهل، نوع شغل و سطح تحصیلات نیز مرتبط بوده‌اند.

تحقیق صدیقیان و همکاران (۱۳۹۹) در تهران نشان داد که پارک‌های نیاوران و قیطریه به عنوان فضاهای عمومی پایدار عمل می‌کنند، اما نگرانی‌هایی در مورد مشارکت زنان در فعالیت‌های بدنی وجود دارد. طراحی، نگهداری و بهبود آینده پارک‌ها باید نیازهای مختلف کاربران، از جمله زنان و کسب‌وکارهای محلی را در نظر بگیرد. توسعه پایدار فضاهای عمومی نیازمند توجه به ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی است.

پژوهش ایمانی و نرسیسانی (۱۴۰۰) با استفاده از نظریه «لوفور» در بررسی تأثیر تفکیک جنسیتی در فضاهای شهری نتیجه‌گیری می‌کند عدم انعطاف در تفکیک جنسیتی می‌تواند کنجکاو‌ی‌ها و جهت‌گیری‌های جنسی را با پنهان‌کاری و تصمیمات خطرپذیرتر همراه کند و مانع شکل‌گیری روابط سالم شود. پژوهش برومند و رضایی (۱۳۹۵) درباره بوستان‌های زنان نشان می‌دهد که بین شاخص‌های دسترسی، آزادی حضور و امنیت با عملکرد بوستان‌ها در دستیابی به عدالت جنسیتی رابطه معناداری وجود دارد.

پژوهش کاظمی (۱۳۸۸) به نقد و تحلیل پدیده «جنسیتی‌شدن فضا در پارک‌ها» پرداخته و نشان می‌دهد این امر منجر به کاهش کیفیت و مطلوبیت فضا و ناکارآمدی آن شده است. زیرا جنسیتی‌شدن، فضای عمومی را به فضایی خاص برای گروهی خاص تبدیل می‌کند. در همین راستا، مطالعه «ابعاد فضای جنسیتی در محلات شهری» (محمدی ۱۳۹۶) نشان می‌دهد که شکل‌گیری این فضاها

باعث کاهش حضور و فعالیت زنان و شکل‌گیری هویت جنسیتی سنتی برای آن‌ها می‌شود. یافته‌های این پژوهش در مورد میدان امام زاده علی اکبر تهران حاکی از آن است که عملکرد جنسیتی و نمایش عملکرد فضا در ایجاد فضای جنسیتی نقش دارند و فضای محله برای زنان غیر پاسخده، ناامن و نامطلوب است.

به‌طور کلی مطالعات خارجی ذکر شده، اساساً بر اهمیت فضاهای سبز شهری در سلامت روان و فعالیت بدنی خانواده‌ها (نیو و همکاران، ۲۰۲۲) و الگوهای تعاملات خانوادگی در این فضاها تأکید می‌کنند. (۱۹۸۷؛ لیدل و هنزی) اما در ایران عمده تحقیقات، محدودیت‌های حضور زنان در فضاهای شهری را عمدتاً ناشی از هنجارهای فرهنگی و ترس از ناامنی مطرح می‌کنند. (جنگ، ۱۴۰۱؛ یوسفی و همکاران، ۱۳۹۹؛ نقدی و همکاران، ۱۳۹۳؛ شکر بیگی، ۱۳۹۵) پژوهش حاضر تلاش می‌کند تا پیوند مقولات فرهنگ، امنیت و فضا را در میزان اجتماع‌پذیری بوستان‌ها بررسی کند.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی، به بررسی تطبیقی موردی و مکانی بوستان‌های مناطق مختلف شهر تهران پرداخته است. در این مطالعه، هر یک از بوستان‌های مادر و کودک به‌عنوان یک «مورد مطالعه» در نظر گرفته شده است. هدف، فهم تجربه‌ها و معانی این فضاها از سوی کاربران و مقایسه نظام‌مند بوستان‌ها برای شناسایی الگوهای مشترک و تفاوت‌های زمینه‌ای میان آن‌ها بوده است. پژوهش بر ابعاد اجتماعی و فرهنگی بوستان‌ها تمرکز کرده است.

میدان پژوهش شامل ۲۲ بوستان مادر و کودک در شهر تهران است که از این میان تعداد ۱۷ مورد از مناطق مختلف انتخاب شده است. واحد تحلیل در سطح نخست، تجربه و ادراک کاربران از امنیت، امکانات فرهنگی و قابلیت‌های اجتماعی بوستان‌هاست و در سطح دوم، با ورود به میدان و مشاهده کالبد و سیمای بوستان‌ها، ویژگی‌های کالبدی و محیطی بوستان‌ها مورد مطالعه قرار گرفته است. نمونه‌گیری بوستان‌ها به‌صورت هدفمند با تنوع حداکثری و طیفی از شرایط جغرافیایی و زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی انجام شده است. معیارهای انتخاب بوستان‌ها شامل پوشش منطقه‌ای (توزیع در مناطق مختلف تهران)، مساحت بوستان، میزان استفاده و قرارگیری در محدوده‌های پرتردد بوده است. نمونه‌گیری مشارکت‌کنندگان نیز هدفمند و بر اساس نقش و میزان مواجهه با بوستان انجام شده است. مشارکت‌کنندگان شامل گروه‌های ذی‌نفع (مادران، کودکان، نگهداران، غرفه‌داران و مطلعین محلی) بوده‌اند. در مجموع ۵۲ مصاحبه انجام شده است (جدول ۱).

داده‌ها با دو روش گردآوری شده‌اند: (۱) مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، با هدف دستیابی به تجربه‌ها، برداشت‌ها و نیازهای کاربران. (۲) حضور و مشاهده میدانی نظام‌مند برای ثبت الگوهای استفاده از فضا، تعاملات اجتماعی، وضعیت ایمنی و امنیت محیط، کیفیت مبلمان و فضاهای نشستن، نقاط کور، روشنایی، کنترل ورودی‌ها و شواهد مربوط به امکانات فرهنگی و اجتماعی بوستان‌ها. ترکیب مصاحبه و مشاهده با هدف مثلث‌سازی داده‌ها و تقویت توصیف و تبیین به کار رفته است.

در سه بوستان از ۱۷ بوستان منتخب، به دلیل شرایط نامساعد خاص در زمان گردآوری داده‌ها و محدودیت‌های دسترسی، امکان انجام مصاحبه‌های عمیق به میزان پیش‌بینی‌شده فراهم نشده است؛ در این موارد، اتکای بیشتری بر مشاهده میدانی و داده‌های در دسترس صورت گرفته است و این محدودیت در تفسیر یافته‌ها لحاظ شده است.

جدول ۱: فهرست مشارکت‌کنندگان در تحقیق بر حسب بوستان‌های منتخب

ردیف	نام بوستان - منطقه	تعداد مصاحبه عمیق	سن	جنسیت	شغل
۱	بوستان ۱۷ شهرپور-منطقه ۱۶	۵	۴۵ - ۴۰	زن	خانه‌دار، دانش‌آموزش، دانشجو
۲	بوستان امیریه-منطقه ۱۱	۴	۶۵ - ۳۰	زن و مرد	خانه‌دار، نگهبان پارک
۳	بوستان امیریه-منطقه ۱۱	۴	۶۵ - ۳۰	زن و مرد	خانه‌دار، دانشجو، نگهبان پارک
۴	بوستان بهاران-منطقه ۱۲	۶	۳۸ - ۳۵	زن و مرد	خانه‌دار، نگهبان پارک، غرفه‌دار، شغل آزاد، دانشجو
۵	بوستان پلیس-منطقه ۴	۴	۷۰ - ۴۲	زن و مرد	روانشناس، خانه‌دار، نگهبان پارک، دانشجو
۶	بوستان جرجانی-منطقه ۹	۲	۳۸ - ۳۰	زن	معلم، دانشجو
۷	بوستان حکیم-منطقه ۱۰	۳	۷۵ - ۳۸	زن و مرد	شغل آزاد، دانشجو
۸	بوستان خانواده-منطقه ۱۰	۳	۴۵ - ۳۰	زن و مرد	خانه‌دار، دانشجو، نگهبان پارک
۹	بوستان رضوان-منطقه ۱۰	۳	۴۲ - ۳۰	زن و مرد	خانه‌دار، دانشجو
۱۰	بوستان ریحانه-منطقه ۱	۳	۶۰ - ۲۰	زن	استاد دانشگاه، دانشجو
۱۱	بوستان قبا-منطقه ۲۲	۳	۶۸ - ۲۵	زن و مرد	خانه‌دار، دانشجو، نگهبان پارک
۱۲	بوستان گل‌ها-منطقه ۱۱	۴	۴۵ - ۳۰	زن	خانه‌دار، دانشجو
۱۳	بوستان نشاط-منطقه ۱۳	۳	۷۰ - ۳۰	زن و مرد	خانه‌دار، نگهبان پارک، دانشجو
۱۴	بوستان هورفر-منطقه ۷	۳	۵۵ - ۳۰	زن و مرد	بازنشسته، دانشجو
۱۵	-	۲	-	زن	محقق و استاد دانشگاه، کارشناس شهرداری
جمع	۱۴	۵۲	-	-	-

یادداشت‌های میدانی به همراه داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها پس از پیاده‌سازی با روش تحلیل مضمون انجام شده است. فرایند تحلیل شامل: (۱) آشنایی با داده‌ها و خوانش مکرر، (۲) کدگذاری اولیه، (۳) تجمیع کدها و شکل‌دهی مضامین اولیه، (۴) بازبینی و پالایش مضامین با رجوع به شواهد مصاحبه و مشاهده، و (۵) تعریف و نام‌گذاری مضامین نهایی و تدوین روایت تحلیلی بوده است. برای مدیریت و سازمان‌دهی داده‌ها از نرم‌افزارهای تحلیل کیفی استفاده شده است.

پس از استخراج مضامین، برای دستیابی به گونه‌شناسی تطبیقی بوستان‌ها، یک ماتریس مقایسه‌ای تدوین شده است که در آن شواهد هر بوستان ذیل سه معیار احساس امنیت، غنای فرهنگی و ویژگی‌های اجتماعی و در سطح توصیفی ذیل ویژگی‌هایی مانند فضای کالبدی، امنیت و ایمنی، امکانات فرهنگی و تعاملات اجتماعی دسته‌بندی شده است. سپس بوستان‌ها در سه تیپ "اجتماع‌پذیر پیشرو"، "فراغت‌پذیر (متوسط)" و "خاموش یا اجتماع‌گریز" طبقه‌بندی شده‌اند (جدول ۲).

یافته‌ها

یافته‌های تحقیق را در دو بخش بیان می‌کنیم. ابتدا، مختصری در مورد چالش‌ها و فرصت‌های دسترسی زنان به فضاهای شهری مختلف در تهران می‌گوییم تا زمینه‌ای برای تحلیل بوستان‌های مادر و کودک فراهم گردد. سپس، با استفاده از رویکرد گونه‌شناسی تطبیقی، براساس معیارهای امنیت، غنای فرهنگی و قابلیت اجتماع‌پذیری، بوستان‌ها به سه دسته اصلی پیشرو، فراغت‌پذیر و خاموش

تقسیم می‌گردند. این گونه‌شناسی امکان مقایسه نظام‌مند بوستان‌ها و شناسایی نقاط قوت و ضعف آن‌ها را تسهیل نموده و مبنایی برای ارائه راهکارهای بهبود و توسعه این فضاهای شهری فراهم می‌آورد.

الف) زنان و فضاهای شهری در تهران: در مورد اشکال دسترسی زنان به فضامکان‌های شهری، داده‌های سازمانی پراکنده و کلی وجود دارد به شکلی که بر اساس آنها نمی‌توان به سرانه‌های دقیق دسترسی و نسبت زنان در مقایسه با مردان در برخورداری از فرصت‌ها و خدمات شهری اظهارنظر کرد و روندهای معین را رصد کرد. یکی از چالش‌ها در این حوزه، تنوع و گستردگی فضاهای شهری است. با وجود این پژوهش‌های متعددی در این حوزه انجام شده است که به وضوح نشان می‌دهند زنان در شهرهای مختلف با محدودیت‌های متعدد در دسترسی به فضاهای شهری روبرو هستند. این محدودیت‌ها ریشه در عوامل گوناگونی از جمله محدودیت‌های محلی، کلیشه‌ها و باورهای فرهنگی و اجتماعی اجتماعات، مشکلات امنیتی و ساختارهای کالبدی فضاها دارند. هر یک از این عوامل به نوعی در شکل‌دهی تجربه زنان از فضای شهری و میزان حضور و فعالیت آنها در این فضاها تأثیرگذارند. آمارهای مربوط به وضعیت فضاهای سبز و بوستان‌ها، نشان می‌دهند (اگرچه آمارهای ذکر شده عمدتاً به صورت تفکیک جنسیتی نیستند) فضاهای سبز شهری در سال ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۲، رشد اندک داشته است. همچنین رشد اندک سرانه فضای سبز شهری، توسعه بوستان‌ها و تفرجگاه‌های شهری، تغییرات جزئی در سرانه فضای سبز معابر، و افزایش تعداد و مساحت بوستان‌ها در سه سال اخیر مشهود است. این مساله نشان‌دهنده توجه نسبی به توسعه و بهبود فضاهای سبز در شهر است. همچنین ایجاد و توسعه مجموعه‌های شهربانو، شهردخت، بوستان‌های بانوان و بوستان‌های مادر کودک، نشان‌دهنده توجه به نیازهای خاص بانوان در استفاده از فضاهای سبز و تفریحی است. از مجموعه بوستان‌های شهر، ۲۲ بوستان به نام بوستان‌های مادر کودک ثبت شده است (گزارش عملکرد سازمان توسعه فضاهای فرهنگی شهر تهران، ۱۴۰۲).

براساس آمارها، تعداد دانش‌آموزان دختر و پسر در شهر تهران تقریباً برابر است که نشان‌دهنده دسترسی یکسان دختران و پسران به آموزش عمومی است. در حوزه آموزش‌های حرفه‌ای، تفاوت دسترسی و فعالیت وجود دارد که به احتمال زیاد، بخش مهمی از این تفاوت دسترسی یا کم‌توجهی به حرفه‌های زنانه، به اهمیت نوع حرفه‌ها در اقتصاد و زندگی جدید باز می‌گردد. برحسب آمارها، تعداد مدارس (مدارس دولتی - غیر دولتی پسرانه ۲،۲۰۳ و تعداد مدارس دولتی - غیر دولتی دخترانه ۲،۱۲۷) تقریباً برابر است، اما تراکم دانش‌آموز در هر کلاس درس بسیار بالا است. (سالنامه آماری تهران، ۱۴۰۲). تعداد مدارس پسرانه اندکی بیشتر از مدارس دخترانه است. با این حال، تفاوت چندان قابل توجه نیست. این آمار نشان می‌دهد که در حوزه آموزش، تلاش‌هایی برای عدالت و برابری جنسیتی صورت گرفته است. با این حال، لازم است به کیفیت آموزش و امکانات مدارس نیز توجه شود.

در حوزه فضاهای فرهنگی شهر و نحوه استفاده از آنها، آمارها و سرانه‌های معین برحسب جنسیت در دسترس نیست. فقط می‌توان به مجموعه‌های چندمنظوره فرهنگی دارنده امکانات مختلف ورزشی، آموزشی و فرهنگی همچنین حوزه‌های علمیه خواهران اشاره کرد که در آمارهای شهرداری تهران (سالنامه ۱۴۰۲) آمده است.

در زمینه دسترسی زنان به فضاهای خرید، محدودیت رسمی یا فرهنگی خاصی وجود ندارد. بلکه ایشان بیشتر از مردان در این فضاها تردد دارند. در این حوزه، تحقیقات موردی متمرکز بر سبک‌های مصرف و خرید بسیارند، که ذکر یافته‌های آنها، به درازا خواهد انجامید. از باب طرح یافته‌های مرتبط با پژوهش حاضر، صرفاً باید گفت که حضور زنان در فضاهای خرید نیز اغلب با چالش‌هایی نسبی همراه است. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، نگرانی از ناامنی است. این نگرانی، به ویژه در شب‌ها، می‌تواند مانع حضور زنان در فضاهای خرید شود. طراحی نامناسب فضاهای خرید، مانند نبود نور کافی، ایجاد دید نامناسب و عدم وجود نظارت اجتماعی، این

احساس ناامنی را تشدید می‌کند. علاوه بر این، گفته شده است طراحی و مدیریت فضاهای خرید اغلب بر اساس نیازها و اولویت‌های مردان انجام می‌شود. این امر باعث می‌شود که نیازهای خاص زنان، مانند وجود امکانات مناسب برای کودکان و کمبود فضاهای استراحت برای مادران، نادیده گرفته شود. (خرمی روز و همکاران، ۱۳۹۷؛ جنگ، ۱۴۰۱؛ کاظمی، ۱۳۸۸؛ برومند و رضایی، ۱۳۹۵؛ معاونی و همکاران، ۱۳۹۸).

ب) گونه‌شناسی تطبیقی بوستان‌ها: برای ارزیابی تحلیل کلان از کلیه بوستان‌های مورد مطالعه؛ نخست، بوستان‌ها بر اساس چهار ویژگی کلیدی دسته‌بندی شده‌اند: «فضای کالبدی»، «امنیت و ایمنی فیزیکی»، «امکانات فرهنگی موجود» و «میزان تعاملات اجتماعی در فضا». در مرحله بعد با تخصیص اجتماعی بیشتر، دسته‌بندی نهایی بر محوریت پیوند میان سه مقوله «احساس امنیت»، «غناي فرهنگي» و «قابلیت اجتماع‌پذیری» بوستان صورت گرفته‌است. براین اساس بوستان‌ها به سه دسته کلی پیشرو، متوسط و ضعیف دسته‌بندی شده‌اند. در زیر مهم‌ترین مضامین ماخوذ از متن مصاحبه‌های خام و مشاهده‌های میدانی که منبع اصلی دسته‌بندی سه گانه بوستان‌ها بوده‌اند، آمده است.

جدول ۲: مضامین اصلی و فرعی متاخذ از مصاحبه‌ها

ردیف	تیپ بوستان (نوع بوستان)	مصادقات‌های بوستان	مضمون اصلی (امکانات فرهنگی)	مضمون اصلی (اجتماع‌پذیری)	مضمون اصلی (امنیت و آرامش‌خاطر)
۱	اجتماع‌پذیر پیشرو	بهران، پلیس	مضمون فرعی: وجود زیرساخت‌های فرهنگی و آموزشی نسبتاً فراگیر و چندمنظوره (فرهنگسرا، سینما، مسجد، مهدکودک و ...)، امکانات اولیه آموزشی نسبی، وجود اتاق کودک و مادر(هرچند بعضاً بسته)	مضمون فرعی: چیدمان اجتماع‌پذیر فضا و مبلمان، تسهیل تعاملات مادران، وجود میدان و فضاهای اجتماع زنانه، وجود فضا برای بازی جمعی کودکان، بوستان به مثابه مکان تجمع و گردهمایی زنان	مضمون فرعی: کنترل ورود و خروج و حضور منظم نگهبان (بعضاً بدون آموزش رسمی)، جلوگیری از حضور و تجمع افراد پرخطر و آسیب‌زا
۲	فراغت‌پذیر متوسط	بوستان‌های اسدآبادی، امیریه، نشاط، جرجانی و پدر	فضای فراغت و بازدیدهای زنان همسایه، جلسات نامنظم گردهمایی، برگزاری برخی مراسم آیینی و محلی، وجود وسایل ورزشی نسبتاً متناسب و ایمن، فقدان فضاهای آموزشی و فرهنگی چندمنظوره، نبود خانه یا ایستگاه کتاب با لوازم آموزشی کافی، فقدان تابلوهای اطلاع‌رسانی، راهنمایی، آموزشی و فرهنگی	وجود تعاملات نسبی و تقریباً مستمر اما در گروه‌های خاص، طراحی نامناسب فضاهای و مبلمان برای تعامل فعال (نیمکت‌های فردگرا بعضاً بدون سایه بان)، حضور مردان مغایر با هدف طراحی بوستان	ایمنی نسبی وسایل بازی زنان و کودکان، حضور نامنظم نگهبان، عدم ممنوعیت/کنترل کامل ورود مردان، فقدان دوربین مداربسته در ورودی‌ها، گزارش مشاهده آسیب‌های اجتماعی، حضور افراد با رفتارهای پرخطر در ساعات خاص، حضور بی‌ضابطه سگ‌ها، عدم آگاهی نگهبان از قوانین
۳	خاموش (اجتماع‌گریز) و نیازمند بازنگری	شهدای ۱۷، شهریور، جانبازان، قبا، حکیم، خانواده، خلیج فارس، رضوان، ریحانه، گلها، هورفر	فقدان فضاها و زیرساخت‌های آموزشی و فرهنگی مشخص، فقدان برنامه‌های فرهنگی و آموزشی در بوستان، نبود خانه‌کتاب/وسایل آموزشی، عدم وجود تابلوهای اطلاع‌رسانی آموزشی/راهنما/ هشدار، فقدان اتاق کودک و مادر(در صورت وجود غیرقابل استفاده)	چینش مبلمان برای تعامل فردی و تقریباً محدود، آسیب‌های اجتماعی مشهود و حضور افراد نامناسب با رفتارهای ناهنجار، فقدان برنامه‌های جمعی و فرهنگی، بی‌توجهی به نیازهای گروه‌های خاص و کم‌توان، درک از بوستان به مثابه مکان یادگیری رفتارهای ناهنجار	بوستان به عنوان مکان خارج از کنترل برای افراد آسیب‌زا و بی‌خانمان، ترس از استیلاي مردان و جوانان با هویت خاص، عدم حضور موثر/مستمر نگهبان، وجود نقاط کور و روشنایی نامناسب، عدم آموزش کافی نگهبان

حال با توجه به مضامین مندرج در جدول ارتباط میان آن‌ها تشریح می‌شود.

الف) بوستان‌های اجتماع‌پذیر پیشرو (پیشگام): این بوستان‌ها الگوی مطلوبی از ادغام امکانات فرهنگی-اجتماعی با نیازهای جامعه هدف ارائه می‌دهند و محل تعاملات مثبت و فعالیت‌های گروهی برای افراد با پیشینه‌های مختلف بوده و طراحی امن و مناسبی برای بازی، یادگیری و تعامل اجتماعی کودکان با امکانات متنوع دارند. بوستان‌های «بهاران» و «پلیس» به عنوان مصادیق بارز این دسته شناخته می‌شوند. نقاط قوت آن‌ها شامل اجتماع‌پذیری بالا، برنامه‌های فرهنگی و آموزشی بالقوه، حساسیت به نیازهای کودکان، وجود فضاهای چندمنظوره و امکانات ورزشی برای مادران، وضعیت نسبتاً خوب بهداشت و احساس امنیت مناسب است. یکی از مراجع‌کنندگان بوستان پلیس در این خصوص اظهار داشت: «بوستان به فضایی برای تعاملات اجتماعی مثبت بین مادران تبدیل شده است، در پشت این پارک مدرسه قرار دارد و مادران کودکان در این مکان (بوستان پلیس) جمع می‌شوند». از دیگر مراجع‌کنندگان، بوستان را فضایی برای ارتباطات اجتماعی مثبت بین مادران می‌دانستند: "پشت این پارک مدرسه وجود داره و مادران بچه‌ها در زمان انتظار فرزندانشان در پارک مستقر میشوند و باهم ارتباط برقرار میکنند، زنان این محله معمولاً جشن‌ها، تولدها و دورهمی-هایشان را اینجا برگزار میکنند این موضوع باعث شد که من دوستای زیادی را اینجا پیدا کنم". در ادامه مصاحبه از مادران حاضر در بوستان بهاران، مادر یکی از کودکان حاضر در پارک اعلام کرد که "این بوستان دارای فضای امن و آرامی برای استفاده بانوان است و در مقایسه با دیگر پارک‌های سطح منطقه از فضای بهتری برخوردار بوده، زیرا حضور معتادین در این پارک کمتر به چشم می‌خورد، حضور مستمر نگهبانان، کنترل ورود و خروج توسط آن‌ها و همچنین مستقر بودن ایستگاه پلیس در وسط پارک، سطح امنیت آن را بالاتر برده است". این موضوع نشان از تأثیرات مثبت تغییر کاربری این پارک‌ها به پارک‌های مختص بانوان و کودکان است. اگرچه این پارک همچون سایر پارک‌ها با کمبود امکانات و تجهیزات فنی رو به رو است، نیازمندی‌هایی نظیر کمبود امکانات آموزشی برای کودکان، مشکلات دسترسی به آبخوری برای کودکان، نبود امکانات تعویض پوشک و بوفه فعال و عدم اشراف کامل نگهبانان به تمام نقاط بوستان نیز در آن‌ها وجود دارد.

ب) بوستان‌های فراغت‌پذیر (متوسط): این دسته از بوستان‌ها فضاهای محلی و عمومی با ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی متوسط هستند که عمدتاً برای استفاده روزانه ساکنان محلی کاربرد دارند و فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی در آن‌ها محدودتر است. اگرچه ممکن است تعاملات اجتماعی متنوع‌تری از افراد محلی در این بوستان‌ها دیده شود، اما فاقد ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی برجسته‌ای هستند و بیشتر جنبه فراغتی دارند. بوستان‌های «اسدآبادی»، «امیریه»، «نشاط»، «جرجانی» و «پدر» در زیرمجموعه این گروه قرار می‌گیرند. این بوستان‌ها، علی‌رغم برخی نقاط قوت، با ضعف‌های مهمی در امکانات فرهنگی و آموزشی، رفاهی و بهداشتی، طراحی نامناسب برای تعاملات اجتماعی و مشکلات امنیتی روبرو هستند که نیازمند توجه و بهبود می‌باشند. با توجه به ماهیت اختصاصی بوستان پدر (ویژه مادران و کودکان و ممنوعیت ورود آقایان)، به نظر می‌رسد که آسیب‌های اجتماعی در این فضا نسبت به پارک‌های عمومی کمتر باشد. با این حال مادر جوان مراجعه کننده به بوستان بیان کرد که "حضور بی‌ضابطه سگ‌ها و بروز تنش‌های آن چون ترس و نگرانی فرزندان مان و خودمان از وجود این سگ‌ها و نبود بهداشت کافی ناشی از حضور سگ‌ها که برای کودکان مشکل ایجاد می‌کند، یک آسیب اجتماعی است که بخاطر عدم حضور مستمر نگهبان بوستان رخ می‌دهد. یکی از مصاحبه شونده‌گان پارک «امیریه» گفت: "مهمترین ویژگی این پارک تشکیل گروه‌های دوستی محلی در میان گروه زنان است اگرچه این پارک فضای زیبا و مناسبی برای تفریح و ورزش زنان دارد، اما سالن‌های فرهنگی و کتابخانه و ... ندارد که ما موضوعی یا نکته‌ای در مورد فرزند پروری یاد بگیریم و یا فرزند چیزی یاد بگیرد". این موضوع نشان‌دهنده نبود فرصت‌های یادگیری غیررسمی و ارتقاء

آگاهی در موضوعات مرتبط با سلامت، تربیت کودک و حقوق شهروندی است. یکی از مادران مراجعه‌کننده به بوستان «جرجانی» در مورد وضعیت امنیت این بوستان اظهار داشته است: «متأسفانه وقتی جوان‌ها در اینجا مواد مصرف می‌کنند، من احساس امنیت نمی‌کنم... البته قبلاً اینجا دونفر نگهبان داشته ولی الان یک نفر است و چند روز اخیر نگهبان داخل پارک حضور نداشته. این پارک مختص بانوان نیست و در ساعات خاصی از روز محل تجمع افراد پر خطر است. اتاق مادر و کودک این پارک هم در طول روز قفل است و ما عملاً هیچ استفاده‌ای از آن نداریم یا زمانی که آقایان هم در پارک حضور دارند ما نمیتوانیم برای شیر دادن به کودکمان وارد اتاق کودک و مادر شویم». این نقل قول به خوبی چالش‌های مربوط به امنیت و نظارت و نبود امکانات کافی برای رفاه مادران در این نوع بوستان‌ها را نشان می‌دهد. مراجعه‌کننده دیگر اظهار داشت که در این پارک تابلوهایی که نشان از اختصاصی بودن پارک برای بانوان، برگزاری مراسمات فرهنگی در پارک و همچنین وجود وسایل بازی ایمن برای کودکان و در نهایت آرامش برای مادران و فرزندان وجود ندارد. طبق اظهارات یکی از مراجعه‌کنندگان بوستان «اسدآبادی»، «حضور مردان در پارک به صورت همیشگی بوده و این با هدف طراحی انحصاری برای مادران و کودکان در تضاد است و من در صورتی که همسر من هم در پارک همراه من باشند من راحتتر هستم. همچنین نبود فضای مناسب برای گفت و گوی زنان فرصت ارتباطات اجتماعی آنان را از بین می‌برد». این مساله به خودی خود یک آسیب اجتماعی تلقی می‌شود، زیرا حس امنیت و آرامش مورد انتظار مادران را خدشه‌دار می‌کند. یکی از مادران در بوستان «نشاط» بیان می‌کرد: «هیچگونه امکانات فرهنگی و آموزشی نظیر کتابخانه کودک یا فضای برگزاری کارگاه در پارک وجود ندارد. تنها فعالیت فرهنگی که در پارک برگزار می‌شود، برگزاری مراسم مذهبی در ایام محرم است». یکی دیگر از نقاط ضعف این پارک اطلاع رسانی پایین در خصوص پارک است زیرا ما تا کنون خبری از اتاق مادر و کودک نداشته و تابلو اطلاع رسانی پارک کودک و مادر را ندیده‌ایم»

با توجه به رویکرد ویژه پارک برای مادران و کودکان، فقدان امکانات فرهنگی و آموزشی یک نقص قابل توجه است و فرصت‌های یادگیری و رشد را محدود می‌کند.

ج) بوستان‌های خاموش (اجتماع‌گریز) و نیازمند بازنگری: بوستان‌های قابل تحلیل در زیرمجموعه این دسته، شامل بوستان‌های «شهدای ۱۷ شهریور»، «جانبازان»، «قبا»، «حکیم»، «خانواده»، «خلیج فارس»، «رضوان»، «ریحانه»، «گلها» و «هورفر»، در حوزه‌های فرهنگ‌سازی، تقویت سرمایه اجتماعی و گردهمایی‌های هویتی عملکردی ضعیف و غیرفعال از خود نشان می‌دهند. این فضاها اغلب با ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی منفی، آسیب‌پذیری و عدم اجتماع‌پذیری شناخته می‌شوند و نسبت به گروه‌های زنان و ارزش‌های زنانگی بی‌تفاوت هستند. این بی‌توجهی در حالی است که درک عمیق این ابعاد برای طراحی فضاهایی که بتوانند نیازهای واقعی جامعه را برآورده سازند، امری ضروری است. این بوستان‌ها با مشکلات و آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی متعددی مواجه‌اند؛ به گونه‌ای که ضعف در مدیریت آن‌ها منجر به تبدیل بخش‌هایی از این فضاها به محلی برای رفتارهای ضداجتماعی و تجمع افراد خطرآفرین و آسیب‌دیده شده است.

مشاهدات میدانی و مصاحبه‌ها به وضوح این کاستی‌ها را تأیید می‌کنند. مراجعه‌کننده به بوستان «قبا» درباره تعاملات اجتماعی اظهار می‌دارد: «اگرچه میز و نیمکت برای نشستن خانم‌ها در پارک وجود دارد ولی داخل خود پارک نیست و در اطراف پارک چیده شده‌اند. در داخل پارک به دلیل عدم وجود روشنایی کافی نقاط کور وجود دارد، که با این شرایط گاهی با خانم‌ها تعامل پیدا می‌کنیم که این بخاطر نزدیک بودن به مدرسه است؛ معمولاً خانم‌ها بعد از تمام شدن مدرسه کودکان یا زمانی که منتظر تعطیلی مدرسه هستند داخل پارک می‌نشینند و با هم ارتباط می‌گیرند». این گفته نشان می‌دهد تعاملات اجتماعی در این بوستان بیشتر متأثر از

موقعیت مکانی و همجواری با مدرسه است نه ناشی از طراحی داخلی فضای سبز که تسهیل‌کننده چنین ارتباطاتی باشد. همچنین، فقدان فضایی مناسب برای گفت‌وگوی زنان و استقبال کم آنان از این بوستان‌ها برای تعاملات اجتماعی، در اظهارات دو نفر از مراجعه‌کنندگان به بوستان «حکیم» مشهود است که در پاسخ به سوالی درباره فضای گفت‌وگو و پاتوق زنان بیان داشته‌اند: «این پارک از نظر فعالیت گروهی سالم، سوت و کور است. من تاکنون نشستهای جمعی زنان در این پارک را ندیده‌ام و حضور زنان در این پارک پایین است نه به علت تجهیزات و فضای مناسب برای ارتباطات بلکه به دلیل مسایل امنیتی یعنی این محیط فقط برای بانوان نیست و آقایان هم از این فضا استفاده می‌کنند و من نمیتوام در هر ساعتی به همراه فرزندم به پارک بیایم، بقیه مادران دیگر هم این گونه‌اند». این جمله نشان‌دهنده کمبود فضاهای مناسب و جذاب برای حضور و تعامل زنان در بوستان است.

علاوه بر این، مسائل امنیتی و احساس نگرانی مادران نیز در این دسته بوستان‌ها، مساله جدی به حساب می‌آید. یکی از مادران مراجعه‌کننده به بوستان «خانواده» در مورد امنیت بوستان می‌گوید: «ممن بازی بچه‌ها ایمن نیست، به خاطر اینکه نرده‌های محافظ زمین بازی فاصله زیادی از هم دارند و بچه‌ها میتوانند به راحتی رد بشوند. به لحاظ امنیت برای بانوان و کودکان خوب نیست، چون در اینجا معتادها حضور دارند احساس خطر می‌کنیم». در بوستان‌های مشابه نیز این نگرانی‌ها گزارش شده است که علیرغم وجود برخی تدابیر امنیتی، نقاط ضعف و آسیب‌پذیری‌هایی وجود دارد که حس ناامنی را برای مادران و کودکان ایجاد می‌کند. همانگونه که خانم صادقی فسایی استاد دانشگاه در خصوص مساله امنیت با اشاره به برخی حساسیتهای زنان در فضاهای شهری می‌گویند: «زنان در بسیاری از فضاها از استیلا می‌ترسند». ترس به ویژه در بوستان‌های خاموش که نظارت کافی در آنها وجود ندارد تشدید می‌شود. اظهارات مراجعین به بوستان ۱۷ شهرپور حاکی از آن است که در این بوستان امنیت فیزیکی وجود دارد و زمین بازی کودکان از استانداردهای لازم برخوردار بوده اما حضور معتادین در این بوستان این فضا را برای استفاده زنان و کودکان ناامن کرده است. ساکنان محلی در خصوص بوستان «جانبازان» نیز نشان‌دادند که: «بوستان در گذشته به عنوان محلی برای گردهمایی بانوان مورد استفاده بوده است و نقش مهمی در ایجاد ارتباطات بین زنان داشته است. اما الان کاهش این ارتباطات به دلیل افزایش مشکلات پارک از جمله: افزایش تعداد سگ‌ها و افراد با مشکلات رفتاری (معتادان) در پارک است». زن جوان مراجعه‌کننده به بوستان «ریحانه» در مورد تعاملات اجتماعی در پارک بیان نمود: «گرچه پارک از امکانات بهداشتی و تجهیزات ورزشی مناسب برخوردار است، بیشتر ارتباطات اجتماعی ناسالم ایجاد شده و در زمان‌هایی که هوا رو به تاریکی می‌رود نوجوانان با رفتارهای پرخطر در پارک حاضر میشوند و من معمولا در این ساعات بیشتر از پارک استفاده می‌کنم چون در ساعات اولیه روز به دلیل شاغل بودنم نمیتوانم به همراه کودکم در پارک حاضر شوم». در همین بوستان یکی از مادران مراجعه‌کننده دیگر نیز اشاره کرد که «من اعتماد نمی‌کنم در این پارک با کسی ارتباطی برقرار کنم چون فضای بوستان ناامن است و معتادین و جوانان با رفتارهای آسیب‌زا در این فضا جمع میشوند و من مدام نگران بچه‌م هستم که مبادا چیز نامربوطی از کسی یاد بگیرد و یا کسی او را بدزد». بنابراین برخی رفتارهای نامناسب از سوی افراد خطرآفرین در پارک، بر کیفیت تعاملات اجتماعی و میزان تمایل افراد به حضور در آن تأثیر منفی گذاشته است. مشاهدات میدانی بوستان «رضوان» حاکی از حضور افراد معتاد در بخش بانوان بوستان بوده است که منجر به احساس ناامنی در میان کاربران گردیده است. بر اساس اظهارات افراد، این بخش در ساعات شب به محل تجمع افراد معتاد تبدیل می‌شود.

در مجموع، بوستان‌های نوع سوم، با فقدان امکانات فرهنگی و آموزشی، مشکلات امنیتی ناشی از عدم حضور نهبان و کنترل ورود و خروج، طراحی نامناسب و عدم توجه کافی به نیازهای مادران و کودکان مشخص می‌شوند و نیازمند بازنگری اساسی و جامع در طراحی و مدیریت هستند تا بتوانند به فضاهایی امن، جذاب و اجتماع‌پذیر برای تمامی اقشار جامعه، به ویژه زنان و کودکان، تبدیل شوند.

بر اساس مضامین بالا، سه دسته بوستان «اجتماع‌پذیر پیشرو»، «فراغت‌پذیر متوسط» و «خاموش (ضعیف)»، در ویژگی‌های کلیدی مانند فضای کالبدی، امنیت، امکانات فرهنگی و تعاملات اجتماعی تفاوت‌های چشمگیری دارند. از منظر محصور بودن و دسترسی‌ها، بوستان‌های «پیشرو» با کنترل ورود و خروج، محیطی امن‌تر و محصورتر ایجاد می‌کنند. بوستان‌های «متوسط» تلاش‌هایی برای کنترل دسترسی دارند اما اغلب ناقص و ناکارآمد است، که نشان‌دهنده درجه‌ای از محصوریت با چالش‌های اجرایی است. در مقابل، بوستان‌های «خاموش و ضعیف» از فقدان کنترل بر ورود و خروج رنج می‌برند و فضایی باز و ناامن را برای استفاده‌های نامناسب فراهم می‌کنند. در خصوص فضای سبز و طراحی محیطی (به عنوان جنبه‌ای از فضای کالبدی و طراحی)، بوستان‌های «پیشرو» دارای طراحی مناسب برای تعاملات اجتماعی مثبت، بازی و یادگیری هستند. بوستان‌های «متوسط» بیشتر جنبه فراغتی داشته و طراحی آن‌ها، از جمله مبلمان فردگرا، تعاملات اجتماعی فعال را محدود می‌کند. بوستان‌های «خاموش» با طراحی نامناسب، کمبود روشنایی و نقاط کور، فضایی آسیب‌پذیر و اجتماع‌گریز را پدید می‌آورند. مشترکات این بوستان‌ها در این است که همگی فضاهای عمومی شهری هستند و براساس معیارهای مشابهی ارزیابی شده‌اند و همگی با درجاتی از چالش‌های امنیتی و مدیریتی روبرو هستند. افتراقات اساسی در عملکرد (از مراکز اجتماعی فعال تا فضاهای متروکه)، سطح و کیفیت تعاملات اجتماعی (از مثبت و گروهی تا فردی و آسیب‌زا)، غنای امکانات فرهنگی و رفاهی (به ویژه برای مادران و کودکان) و میزان احساس امنیت و کنترل محیطی مشاهده می‌شود که مستقیماً بر کیفیت تجربه کاربران و نقش بوستان در جامعه تأثیر می‌گذارد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

این مطالعه نشان می‌دهد بوستان‌های مادر و کودک در شهر تهران با وجود ابتکار مثبت شهرداری در خلق و پیگیری بهبود آنها، با چالش‌های چندوجهی روبرو هستند. این چالش‌ها، به‌ویژه در ابعاد اجتماعی و فرهنگی چشمگیر است. در بُعد اجتماعی، «فقدان فضاهای تعاملی همگرا و اجتماع‌پذیر»، «ضعف حس تعلق اجتماعی» و «عدم شکل‌گیری شبکه‌های ارتباطی» میان کاربران (مادران و کودکان) از جمله مشکلات برجسته محسوب می‌شود. «نبود احساس امنیت» نیز به کاهش مشارکت و حضور فعال افراد در این فضاها منجر شده و زمینه‌ساز انزوا و طرد اجتماعی می‌شود. بوستان‌ها می‌توانند بستر شکل‌گیری شبکه‌های حمایتی میان مادران و ارتقاء تعاملات اجتماعی کودکان باشند. اما کمبود فضاها، نیمکت‌ها و مبلمان مناسب برای گفت‌وگو، طراحی فردگرایانه فضا و محدود بودن فضاهای گردهمایی، موجب کاهش تعاملات چهره‌به‌چهره، گفت‌وگو و شکل‌گیری روابط اجتماعی فعال می‌شود. این کاستی‌ها سرمایه اجتماعی را تضعیف و حس تعلق محله‌ای را کاهش می‌دهد.

«نبود برنامه‌های آموزشی، فرهنگی و نمادهای هویت‌بخش» در بسیاری از بوستان‌ها، نشان‌دهنده غفلت از کارکردهای فرهنگی فضای بوستان دارد. کم‌توجهی به «آموزش‌های غیررسمی، جشنواره‌های محلی، عناصر معماری ایرانی-اسلامی و نمادهای اخلاقی و شهروندی» سبب شده بوستان‌ها نتوانند به فضاهایی برای تقویت هویت فرهنگی، تعلق خاطر محله‌ای و انتقال ارزش‌های اجتماعی بدل شوند.

نکته قابل توجه دیگر این است که بسیاری از بوستان‌ها «فاقد طراحی فراگیر» هستند. کم‌توجهی به مادران ناتوان جسمی، مادران دارای نوزاد (همراه با کالسکه)، کودکان با نیازهای خاص، یا گروه‌های قومی و فرهنگی گوناگون، باعث طرد اجتماعی گروه‌هایی می‌شود که بیشتر از دیگران نیاز به فضاهای عمومی حمایت‌گر دارند. این مسئله «عدم شمول و توجه به گروه‌های متنوع» نشان از ضعف در سیاست‌گذاری‌های فراگیر و توجه به اصل برابری در استفاده از فضای شهری دارد.

در برخی طراحی‌های بوستان‌ها، مادر به جای کنشگر اجتماعی فعال، صرفاً در جایگاه «ناظر محافظ کودک» قرار می‌گیرد. این «تقلیل و محدودسازی نقش مادر»، نه تنها ظرفیت‌های تربیتی و خلاقیت را محدود می‌کند، بلکه مشارکت اجتماعی ایشان در فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی را نیز کاهش می‌دهد. نبود زیرساخت‌هایی مانند مهد کودک، فضاهای گفت‌وگو، کتابخانه کودک، یا فضاهای آموزش مهارت‌های زندگی برای مادران، این نقش را بیش از پیش منفعل می‌سازد. نبود کارگاه‌ها و برنامه‌های فرهنگی، هنری و آموزشی برای کودکان و مادران باعث می‌شود ظرفیت بالای این فضاها برای توسعه سرمایه فرهنگی و انتقال ارزش‌های اجتماعی، نادیده گرفته شود. این فضاها می‌توانند به‌عنوان «مکان سوم»، مراکز یادگیری غیررسمی عمل کرده و مهارت‌های تربیتی، اجتماعی و فردی را در محیطی تعاملی و غیرسنتی تقویت نمایند؛ امکانی که در وضع موجود مورد غفلت قرار گرفته است.

در بُعد کالبدی، زیرساختی و فضایی، طراحی بعضاً غیراستاندارد، تجهیزات فرسوده، نبود ایمنی کافی، کمبود امکانات بهداشتی و رفاهی، ضعف نورپردازی و نقاط کور، از جمله ضعف‌های عمده هستند.

رفع این چالش‌ها مستلزم بازنگری در نگاه مدیریتی به فضاهای عمومی زنان و کودکان، طراحی مشارکتی، تقویت امکانات فرهنگی و برنامه‌ریزی برای عدالت فضایی است. سیاست‌های پیشنهادی برای بوستان‌های مادر و کودک تهران باید رویکردی جامع‌نگر و چندبعدی داشته باشد و این فضاها را از مکان‌هایی صرفاً برای بازی کودکان به کانون‌هایی پویا برای تعامل اجتماعی، غنای فرهنگی، یادگیری مستمر و پایداری محیطی ارتقا دهد.

در اینجا، ما سیاست‌های مربوطه را با تقسیم‌بندی به سه بازه زمانی کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت، در مسیری واقع‌بینانه و قابل اجرا برای تحول ترسیم می‌کنیم که با اقدامات عاجل نظیر افزایش امنیت و بهبود دسترسی آغاز شده و به سمت اهداف کلان‌تری چون نهادینه‌سازی عدالت اجتماعی و فضایی، تقویت سرمایه اجتماعی و فرهنگی و ایجاد ساختارهای مشارکتی پایدار حرکت می‌کند. این سیاست‌ها با تأکید بر ابعاد اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و کالبدی-محیطی، به دنبال ارتقای کیفیت این فضاها و پاسخگویی به نیازهای جامعه هدف هستند:

الف) سیاست‌های اجتماعی: در کوتاه‌مدت، موضوع ارتقای احساس امنیت و نظارت محیطی از طریق افزایش نورپردازی در نقاط کور بوستان‌ها، استقرار دوربین‌های مداربسته در ورودی‌ها و گذرگاه‌های اصلی و جمع‌آوری افراد پرخطر از فضا در اولویت قرار می‌گیرد. همچنین، دسترسی و فراگیری عمومی با بازگشایی تمامی ورودی‌ها و نصب تابلوهای راهنما و اطلاع‌رسانی ساده در مورد مسیرهای مناسب برای افراد کم‌توان و معلولان حائز اهمیت است. تقویت تعاملات اجتماعی نیز با افزودن نیمکت‌های دایره‌ای و مبلمان اجتماع‌پذیر در فضاهای مرکزی بوستان و برگزاری جمع‌های هفتگی مادران و کودکان محقق خواهد شد. در میان‌مدت؛ مشارکت و حاکمیت محلی از طریق تشکیل «شورای محلی مادران» و اولویت‌بندی نیازها توسط گروه‌های محلی مورد تأکید قرار می‌گیرد. در بلندمدت نیز نهادینه‌سازی عدالت اجتماعی با حمایت از مشارکت محلی در طراحی و نگهداری فضاهای سبز عمومی هدف‌گذاری شده است.

ب) سیاست‌های فرهنگی: در کوتاه‌مدت، تقویت هویت فرهنگی با نصب تابلوهای آموزشی با مضامین ایرانی-اسلامی، آموزش غیررسمی با راه‌اندازی کارگاه‌های قصه‌گویی و نمایش‌های عروسکی و نصب تابلوهای خودآموز و تقویت تعاملات فرهنگی با راه‌اندازی برنامه‌های هفتگی کتابخوانی و ایجاد پانوق‌های گفت‌وگو با نیمکت‌های مدور با اهمیت هستند. در میان‌مدت، توسعه زیرساخت‌های فرهنگی با ساخت کتابخانه‌های کودک و فعالیت‌های فرهنگی، تقویت مشارکت فرهنگی با برگزاری جشنواره‌های منطقه‌ای و ایجاد عدالت فرهنگی با طراحی برنامه‌های فرهنگی متناسب با نیازهای گروه‌های کم‌برخوردار و کودکان با نیازهای

ویژه از اهمیت بالایی برخوردار است. در بلندمدت نیز نهادینه‌سازی فرهنگ شهروندی با طراحی بوستان‌های موضوعی با محوریت هویت ایرانی-اسلامی و ایجاد «خانه فرهنگ کودک و مادر» در دل بوستان‌ها و تقویت پایداری و مشارکت فرهنگی با ایجاد «پاتوق‌های بین‌نسلی» برای تعامل سالمندان، مادران و کودکان، از جمله راهبردهای کلیدی هستند.

ج) سیاست‌های آموزشی تربیتی: ایجاد محیط یادگیری غیررسمی با نصب تابلوهای آموزشی تعاملی و راه‌اندازی کارگاه‌های قصه‌گویی و نمایش عروسکی، و توانمندسازی والدین برای زندگی مشارکتی با برگزاری جلسات هفتگی مشاوره تربیتی برای مادران با حضور روانشناسان کودک و ایجاد «ایستگاه‌های بازی مشارکتی»، مصداق برنامه پیشنهادی کوتاه‌مدت هستند. اما توسعه زیرساخت‌های آموزشی با ساخت «اتاق یادگیری» مجهز به کتاب‌های مصور، اسباب‌بازی‌های آموزشی و ابزارهای سنجش رشد کودک، و برنامه‌ریزی آموزشی هدفمند با برگزاری کارگاه‌های «یادگیری از طریق بازی» برای اقدامات بلندمدت با اهمیت هستند. در بلندمدت؛ تبدیل بوستان به مرکز یادگیری جامع با احداث «مراکز رشد کودک»، برنامه یادگیری مبتنی بر اجتماع با ایجاد «شبکه مادران مربی» و آموزش محیط زیست با طراحی برنامه‌های آموزش محیط‌زیست از جمله برنامه‌ها به شمار می‌روند.

د) سیاست‌های کالبدی و محیطی: مصداق این سیاست‌ها در کوتاه‌مدت، بهبود ایمنی و دسترسی با تعمیر فوری وسایل بازی آسیب‌دیده و نصب ضربه‌گیرهای استاندارد در زمین‌های بازی، افزایش نورپردازی و نصب علائم هشداردهنده درباره خطرات احتمالی، مدیریت محیطی با پاکسازی فوری زباله‌ها و نصب سطوح‌های زباله‌ی تفکیک‌شده و بهبود خدمات اولیه هستند. در میان‌مدت؛ ایجاد تغییرات کالبدی با تأکید بر بازطراحی زمین‌های بازی با رعایت استانداردهای ایمنی، توسعه فضای سبز با طراحی باغچه‌های مشارکتی و بهینه‌سازی محیطی با ایجاد دیوارهای سبز پیشنهاد می‌شود. در بلندمدت نیز طراحی پایدار، انسان‌محور و اجتماع‌پذیر از طریق بازطراحی کامل بوستان با الهام از اصول «عدالت فضایی» و «شهر پایدار»، پایداری محیط‌زیستی با توسعه «مدرسه طبیعت» در بوستان، تقویت مشارکت مردمی با تشکیل کمیته‌های نظارتی و برگزاری کارگاه‌های آموزشی، از جمله سیاست‌های کلیدی به شمار می‌روند.

نکته قابل توجه در این مجموعه پیشنهادات، تأکید مکرر ما بر مشارکت فعال کاربران اصلی (مادران و کودکان) و جامعه محلی در تمامی مراحل، از ارائه بازخورد و اولویت‌بندی نیازها گرفته تا طراحی، نگهداری و نظارت بر مدیریت بوستان‌ها است که این امر، در کنار اتکا به مبانی نظری شناخته‌شده در حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و کالبدی، پتانسیل تحقق فضاهایی انسان‌محور، اجتماع‌پذیر، هویت‌بخش و پاسخگو به نیازهای متنوع تمامی گروه‌های بهره‌بردار را به شکل چشمگیری افزایش می‌دهد و در نهایت به تقویت حس تعلق، تاب‌آوری اجتماعی و کیفیت زندگی شهری منجر خواهد شد.

به‌منظور کاربردی‌سازی یافته‌های کیفی و تبدیل آن‌ها به پیشنهادهای سیاستی قابل اجرا، جدول (۳) با تیپ‌شناسی بوستان‌ها و تعیین مسئله اصلی هر تیپ به‌همراه راهکارهای کوتاه‌مدت ارائه می‌شود.

جدول (۳): تیپ‌شناسی بوستان‌های مورد مطالعه برحسب وضعیت اجتماع پذیری و امنیت، به همراه مسائل کلیدی و مداخلات کوتاه مدت پیشنهادی

نوع بوستان	مسئله اصلی	راهکار کوتاه مدت (مداخله قابل اجرا)
بوستان‌های اجتماع پذیر (پیشرو (پیشگام)	ظرفیت بالای تعاملات مثبت و وجود امنیت نسبی، اما خدمات مادر و کودک و پوشش مدیریتی، نظارتی کامل و یکپارچه نیست.	تکمیل سریع خدمات پایه مادر و کودک (فعال سازی اتاق وامکانات ضروری) بهبود نظارت در نقاط کم دید.
بوستان‌های فراغت پذیر (متوسط)	کارکرد غالب تفریحی است؛ زیرساخت فرهنگی، آموزشی و اطلاع رسانی ضعیف، امنیت و نظارت ناپایدار (به ویژه در ساعات خاص).	فعال سازی کارکرد حمایتی، آموزشی سبک و کم هزینه (ایستگاه کتاب و کارگاه‌های کوتاه)، نظام مند کردن نظارت و قواعد استفاده (مسئول اتاق، تقویت نگرهبانی ساعات حساس).
بوستان‌های خاموش (اجتماع گریز) و نیازمند بازنگری	ضعف طراحی و مدیریت باعث ناامنی ساختاری، افت حضور زنان و شکل‌گیری تعاملات ناسالم شده؛ کمبود روشنایی، نقاط کور و فقدان کنترل و نظارت.	نورپردازی و حذف نقاط کور، حضور مؤثر نهبان، کنترل حداقلی ورودی‌ها، ایمن سازی وسایل بازی، ایجاد هسته حضور زنان با مبلمان گفت و گو محور.

این جدول با تیپ‌شناسی بوستان‌ها بر مبنای دو شاخص اجتماع‌پذیری و امنیت، یافته‌های کیفی پژوهش را به یک چارچوب اجرایی تبدیل کرده است. همچنین با تعیین مسئله محوری هر تیپ و ارائه‌ی مداخلات کوتاه مدت کم هزینه و قابل اجرا، امکان اولویت بندی اقدامات و هدف گذاری دقیق تر مدیریت شهری برای ارتقای کیفیت بوستان‌های مادر و کودک را فراهم می‌سازد. پی‌نوشت: مقاله مستخرج از طرح پژوهشی کوچک مقیاس «ابعاد اجتماعی و فرهنگی بوستان‌های مادر و کودک در شهر تهران» با حمایت مالی مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران است. از مشاوره های خانم دکتر سهیلا صادقی فسایی در فرایند کار قدردانی می‌شود.

منابع

- ایمانی، نفیسه؛ نرسیسانی، امیلیا. (۱۴۰۰). «تفکیک جنسیتی فضای شهری و روابط صمیمانه بین جنسیتی: مطالعه مقایسه‌ای تفکیک منعطف و غیرمنعطف». زن در فرهنگ و هنر (۱۳)، شماره ۲.
- برومند، مریم؛ رضایی، سولماز. (۱۳۹۵). «ارزیابی عملکرد بوستان‌های زنان در ارتقای عدالت جنسیتی در شهرهای اسلامی؛ نمونه موردی: بوستان مادر آزادگان، منطقه ۱۵ شهر تهران». پژوهشنامه زنان. (۱۶)، شماره ۷
- پاراویسینی، اورسولا و گروهی از نویسندگان. (۱۳۹۲). «شهر و جنسیت». ترجمه مینوش صدیقیان زاده. تهران: کلاغ.
- جنگ، هانیه. (۱۴۰۱). «حضورپذیری فضای شهری برای زنان ایرانی». هفتمین همایش بین‌المللی مهندسی عمران معماری و شهرسازی با رویکرد توسعه پایدار، تهران.
- خرمی روز، ریحانه؛ فالملکی، محمد منصور؛ نوروز برازجانی، ویدا. (۱۳۹۷). «خوانش مؤلفه‌های جنسیتی در طراحی مراکز خرید شهر تهران (مطالعه موردی: مرکز خرید پالادیوم، مرکز خرید کوروش، مرکز خرید تیراژه ۲، پاساژ کویتی‌های رضا)». هویت شهر، شماره چهل و سوم، سال چهاردهم
- سروری، هادی؛ قاسمیان، سارا؛ دل‌آسایی مروی، زهرا. (۱۳۹۲). «حضورپذیری فضای شهری برای زنان ایرانی». همایش ملی معماری و شهرسازی انسان‌گرا، دانشگاه آزاد اسلامی قزوین.
- سالنامه آماری شهر تهران. ۱۴۰۲؛ به نقل از اداره کل ورزش و جوانان استان تهران.

- شکرپیگی، عالییه. (۱۳۹۵). «بررسی عوامل مرتبط با احساس ناامنی اجتماعی زنان در فضاهای شهری (با تأکید بر ویژگی‌های کالبدی شهری)». مطالعات زنان، سال ۱۴، شماره ۲.
- صادقی فسایی، سهیلا و خادمی، عاطفه ۱۳۹۵، فراتحلیل چهار دهه پژوهش در حوزه مشارکت زنان، مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان. سال ۱۴، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۵
- فلوریدا، ریچارد. (۱۴۰۱). «ظهور طبقه خلاق». ترجمه حسین حاتمی نژاد، محمد حاجیان، باقر فتوحی مهربانی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران. کاظمی، مهروش. (۱۳۸۸). «تأثیر رویکردی تحلیلی به مقوله جنسیت و کیفیت فضا (نمونه مورد مطالعه: پارک فجر تبریز)». نشریه هویت شهر (۳)، شماره ۴.
- گزارش عملکرد سازمان توسعه فضاهای فرهنگی شهرداری تهران. (۱۴۰۲).
- لفور، هانری. (۱۳۹۱). "تولید فضا". ترجمه محمود عبدالله زاده، تهران، مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران.
- محمودی، مریم. (۱۳۹۶). «بازشناسی تقابل‌های دوگانه‌ی فضای شهری جنسیتی، مبتنی بر رویکرد نشانه‌شناسی - تحلیلی بر فضای عمومی در محلات سنتی». نشریه علمی- پژوهشی معماری و شهرسازی ایران (۳۳)، 33-51
- محمودی، نرگس. (۱۳۹۹). «اهمیت نقش و حقوق زنان در تجدید حیات فضاهای شهری (مطالعه موردی: خیابان جمهوری اسلامی مهاباد)». جغرافیا و روابط انسانی، (۳)، شماره ۳.
- معاونی، الهام؛ رحمانی، هیوا. (۱۳۹۸). «تأثیر امنیت و فضای جنسیتی بر افزایش حضور بانوان در فضای شهری (نمونه موردی: پارک بانوان شیراز)». نشریه اختصاصی معماری و شهرسازی ایران، سال دوم، شماره ۹.
- نقدی، اسدالله؛ دارابی، سارا. (۱۳۹۳). «دسترسی زنان به فضاهای شهری (مطالعه موردی: زنان شهر ایلام)». زن در فرهنگ و هنر (۶)، شماره ۴، ۴۶-۴۷.
- هاروی، دیوید. (۱۳۹۵). "عدالت اجتماعی و شهر"، محمدرضا حایری، تهران، سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران.
- یاران، علی؛ مسگریان، مریم؛ ارجمندی، هانی. (۱۳۹۸). «تأثیر مؤلفه‌های کالبدی بر احساس امنیت زنان در فضاهای باز گردشگری شهری (نمونه مورد مطالعه: خیابان سی تیر تهران)». مجله منظر، شماره ۱۱ (۴۷)، ۲۴-۳۷
- لنگ، جان (۱۳۸۶)، آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، ترجمه علیرضا عینی‌فر، تهران: دانشگاه تهران.
- یوسفی، سودا؛ ستاری ساریانقلی، حسن؛ واحد تندان گلم آزاد، شفع. (۱۳۹۹). «بررسی حضور زنان در فضاهای شهری با تأکید بر شهرهای ایرانی - اسلامی». کنفرانس ملی معماری، عمران، توسعه شهری و افق‌های هنر اسلامی در گام دوم انقلاب، دانشگاه هنر اسلامی تبریز.
- Chen, C., Yuan, Z., & Zhu, H. (2020). Playing, parenting and family leisure in parks: exploring emotional geographies of families in Guangzhou Children's Park, China. *Children's Geographies*, 18(4), 447-461.
- France, Simone A., and Kirti V. Das. 2012. Family structure and park use among parents. *American Journal of Preventive Medicine* 43 (5): 483-489.
- Harvey, D. (1973). *Social Justice and the City*. University of Georgia Press.
- Jacobs, J. (1961). *The Death and Life of Great American Cities*. Random House.
- Lefebvre, H. (1996). *The Urban Revolution*. Verso Books.
- Liddell, C., & Henzi, S. P. (1987). Mothers, fathers, and children in an urban park playground: A comparison of dyads and triads. *Developmental Psychology*, 23(2), 262-266.

- Niu, Yunlong, Mastura Adam, and Hazreena Hussein. 2022. "Connecting Urban Green Spaces with Children: A Scientometric Analysis Using CiteSpace." *Land* 11 (8): 1259.
- Oldenburg, R. (1991). *The Great Good Place: Cafes, Coffee Shops, Bookstores, Bars, Hair Salons, and Other Hangouts at the Heart of a Community*. Da Capo Press.
- Piaget, J. (1952). *The Origins of Intelligence in Children*. International Universities Press.
- Pradana Seno Aji, Haryo, RB Budiyaniti, and Djaja Djaja. 2016. "The development of child-friendly integrated public spaces in settlement areas as an infrastructure of Jakarta." *Sustainable Development and Planning* 2016.
- Vygotsky, L. S. (1978). *Mind in Society: The Development of Higher Psychological Processes*. Harvard University Press.